

درس سوم دوازدهم انسانی

غَلَا: گران شد	أَلْخَشِيَّة: پروا	أَبْقَى: نگهدار (أَبْقَى، يَبْقَى)
غَلِيظُ الْقَلْبِ: سنگدل	خَيْرَ: اختیار داد	اتَّسَعَ: فراخ شد
فَاضَ: لبریز شد	دَافَعَ: دفاع کرد	أَلْإِمَارَ: میوه دادن
أَلْفَسِيلَةَ: نهال «جمع: أَلْفَسَائِل»	دَعَتْ: مؤنث «دَعَا» (دعوت کرد)	أُثْمَرَ: میوه داد
أَلْفَطَ: تندخو	رَاحَ: رفت = دَهَبَ	اخْتَارَ: برگزید = اِتَّخَذَ (مضارع: يَخْتَارُ)
فَقَّهَ: دانا کرد، دانش آموخت	أَلرِّدَاءَ: روپوش بلند و گشاد روی دیگر	أُعْتَقَ: آزاد کرد
قَعَدَ: نشست	جامه‌ها	أَلْإِعْزَازَ: گرامی داشتن «بِإِعْزَازٍ: با عزت»
لَاعَبَ: با ... بازی کرد	رَخَّصَ: ارزان شد	أُكْرِمَ: گرامی داشت
لِنْتُ: نرم شدی (ماضی: لَانَ، مضارع: يَلِينُ)	أَلرِّضَاعَةَ: شیر خوارگی	أَلْإِقَامَةَ: ماندن
ما أُسْرِعَ: چه شتابان است!	سَهَرَ: بیدار ماند	أَلْأَمْرَدَ: پسر نوجوانی که سیبیلش
مَرَّ: گذر کرد (مضارع: يَمْرَ)	أَلشَّيْخَ: پیرمرد، پیشوا «جمع: أَلشُّيُوخُ»	درآمده، ولی هنوز ریش در نیاورده
أَلْمَصَادِرَ: منابع	أَلصُّلْبَ: سخت و سفت	است.
أَلْمَعْرَزَ: گرامی	ضَاقَ: تنگ شد	أَمَلَ: امید داشت
أَلْوِجَاءَ: ظرف	أَلعَجُوزَ: پیرمرد، پیرزن «جمع: أَلعَجَائِزُ»	أَنْزَعَجَ: آزرده شد
أَلْيَافِعَ: جوان کم سال	أَلْعُودَةَ: برگشتن = أَلرَّجُوعَ	أَنْقَضَ: پراکنده شد (مضارع: يَنْقُضُ)
	عَرَسَ: کاشت	تَفَقَّهَ: دانا شد، دانش فرا گرفت
	أَلْعَرَسَ: نهال، کاشتن نهال	أَلجُوزَ: گردو
	عَضَّ عَيْنَهُ: چشم بر هم نهاد	حَضَنَ: در آغوش گرفت

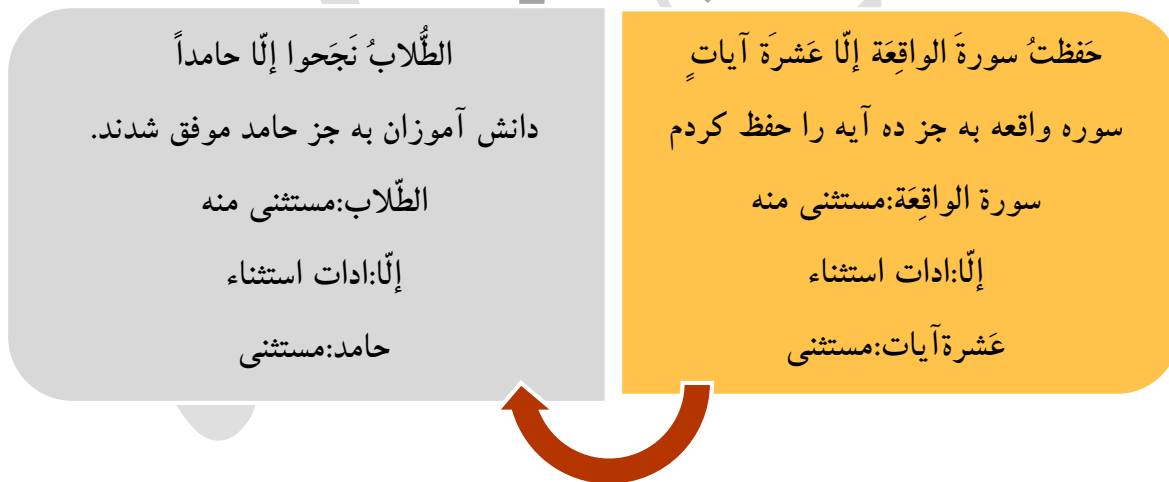
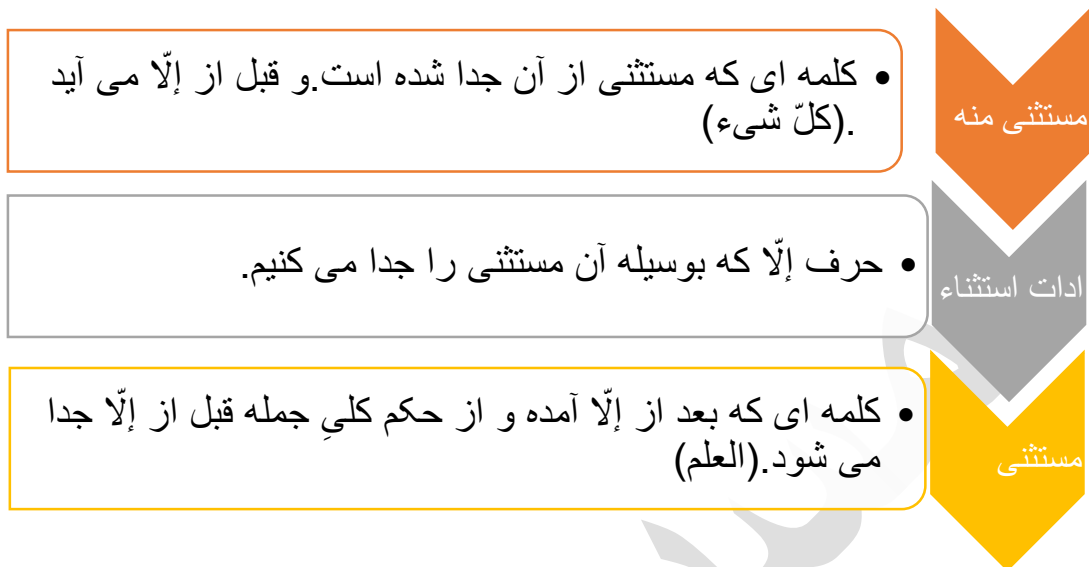
درس سوم

تعریف استثناء:

ساختاری که در آن به وسیله حرف اِلَّا شخص یا گروهی را از حکمی که به ماقبل داده ایم جدا می کنیم.

مثال: كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُضُ بِالْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمَ: هر چیزی به جز علم با انفاق (خرج کردن) کم می شود.

ارکان استثناء



۱- در مثال دوم الطُّلَابُ را مستثنی منه می گیریم نه واو در نَجَحُوا را

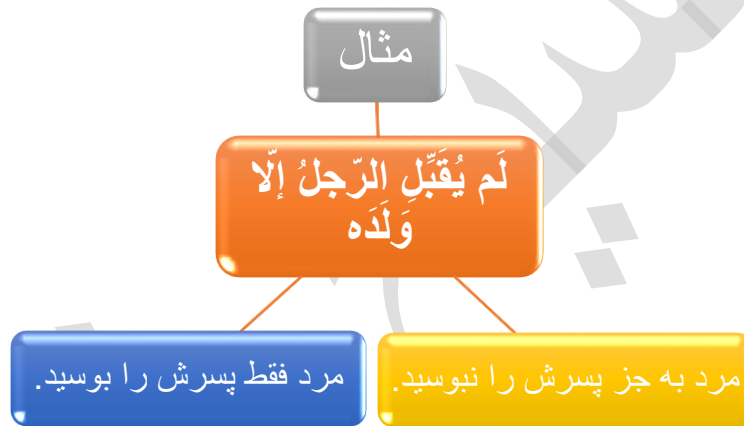
۲- جمله‌ی استثناء می تواند هم مثبت باشد هم منفی

حصر

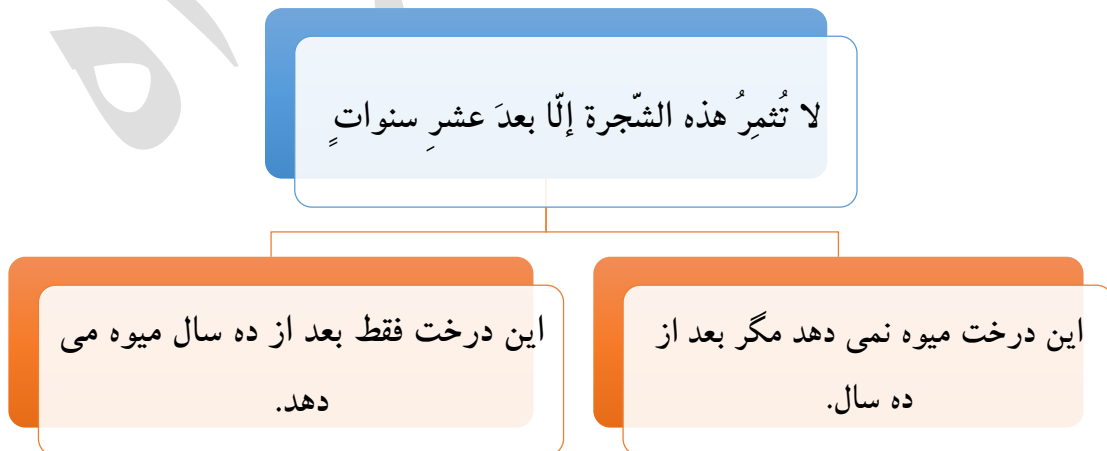
تعریف

حصر به معنای اختصاص دادن چیزی به کسی یا موضوعی است. و به جمله ای گوئیم که مستثنی منه در آن محذوف است.

حصر و اختصاص در زبان عربی به چند شکل می آید که یکی از آنها حصر **بوسیله نفی و إلیا** است. در اینصورت إلیا در معنای استثناء نیست.



نکته طلایی: جمله حصر را میتوان به صورت **مثبت و با تأکید** ترجمه کرد. به این شکل که به جای إلیا «فقط یا تنها» را در ترجمه می آوریم.





۱- **حصر** فقط در **جملات منفی** می آید. (یا سؤالی یا نهی). بنابراین این هر جمله ای که نفی (یا سؤالی یا نهی) ندارد صد در صد استثناء بوده و حصر نمی باشد. اما هر جمله ای که نفی دارد لزوماً حصر نیست. مانند مثال زیر که منفی بوده اما حصر ندارد: «ما قرأتُ کتاباً إِلَّا کتابَ العریبةِ»: کتابی جز کتاب عربی را نخواندم.

۲- در حصر معمولاً جمله ی قبل از **إِلَّا** از نظر معنا کامل نیست. مثلاً «**ما رأیتُ إِلَّا جمیلاً**» همانطور که می بینید با حذف «**إِلَّا جمیلاً**»، ترجمه ناقص می شود. «من ندیدم...» در اینجا نیاز به مفعول داریم که معنا را کامل کند.

یا در «**لا یُکفرُ بآیاتِ اللهِ إِلَّا القومُ الفاسِقونَ**» با حذف «**إِلَّا القومُ الفاسِقونَ**» ترجمه چنین میشود: به آیات خداوند کفر نمی ورزند. که در اینجا جمله فاعل نداشته و از اینرو معنایش ناقص است و با آمدن مستثنی کامل میشود.

۳- اسم بعد از «**إِلَّا**» اگر **مرفوع** بود حتماً **حصر** است، زیرا مستثنی وجوباً منصوب است و اعراب رفع در آن وجود ندارد.

۴- راه دیگر برای شناخت حصر چنین است که نفی و **إِلَّا** را حذف می کنیم اگر جمله معنادار و کامل باشد آن را حصر می گیریم وگرنه مستثنا است.



«ما نَجَحَ إِلَّا النّٰسِیْطونَ» پس از حذف نفی و **إِلَّا** چنین می شود: «نَجَحَ النّٰسِیْطونَ»: «افراد پرتلاش موفق شدند». چون ترجمه جمله کامل است پس حصر است.

اما در مثال: «ما رَسَبَ تَلْمِیْذٌ إِلَّا حامِداً» جمله با حذف نفی و **إِلَّا** چنین می شود: «رَسَبَ تَلْمِیْذٌ حامِداً»: «دانش آموزی مردود شد حامد» این جمله ترجمه دقیق و کاملی ندارد پس حصر نمی باشد.



مراقب باشید ترکیب «**أن+لا = آلا**» را با «**إِلَّا**» استثنائیه اشتباه نگیرید.

«أریدُ مِنْكَ آلا تَكْذِبَ»: از تو می خواهم که دروغ نگوئی. در مثال مذکور اصلاً حصر و استثناء وجود ندارد.

تست درس سوم عربی دوازدهم انسانی

۱- «لا أقدر على القيام بهذا العمل الخطير إلا أن يساعدي والدای مساعدةً مثمرةً»

(۱) من قادر به انجام این کار مهم نیستم مگر اینکه والدینم به نحوی ثمر بخش به من کمک کنند!

(۲) زمانی به انجام دادن این عمل با ارزش اقدام می کنم که از والدینم مساعدتی تأثیرگذار داشته باشم!

(۳) اگر پدر و مادر مرا در اقدام به این کار پر خطر یاری موثری نکنند نمی توانم آن را به خوبی انجام دهم!

(۴) فقط در صورتی می توانم این کار را خوب انجام دهم که پدر و مادرم مرا به گونه ای ثمر بخش یاری نمایند!

۲- «لن أتضرع معذرة إلا إلى ربّي، لأنّي قد آمنتُ بأنّه هو الغفّار المتفضّل علينا!»:

(۱) فقط به پروردگارم عذرخواهانه التماس خواهم کرد، زیرا من ایمان آورده‌ام که فقط اوست که نسبت به ما بسیار آمرزنده و کریم است!

(۲) من جز به پروردگار خویش با تضرع عذرخواهی نمی‌کنم، زیرا ایمان دارم اوست که در مورد ما هم آمرزنده و هم مهربان است!

(۳) فقط نسبت به خدا با عذرخواهی التماس می‌نمایم؛ زیرا ایمان دارم اوست که ما را قطعاً می‌بخشد و می‌آمرزد!

(۴) جز از خدای خود عذرخواهی نمی‌کنم، زیرا یقین دارم که فقط او بسیار ما را می‌بخشد و می‌آمرزد!

۳- «كيف تتفاخر بالمال و الأسرة، و ما هم إلا أمانات لا بدّ من أنّنا سنتركهم غداً أو بعد غدا!»

(۱) به چه سبب بر مال و فرزندان خود افتخار می‌کنی، درحالی‌که امروز یا فردا این امانت‌ها را باید ترک گفت!

(۲) چگونه است که فقط به مال و فرزندان افتخار می‌کنی، و حال این‌که آن‌ها امانت‌هایی هستند که امروز یا فردا

ترکشان خواهیم گفت!

(۳) چگونه به خاطر مال و خانواده فخر می‌فروشی، و حال این‌که آن‌ها فقط امانت‌هایی هستند که فردا یا

پس فردا ناچار آن‌ها را ترک خواهیم کرد!

۴) به چه علت به سبب مال و خانواده‌ات فخر می‌فروشی، درحالی‌که این‌ها امانت‌هایی هستند که فردا یا پس‌فردا ناچار ما را ترک خواهند کرد!

۴- عین المستثنی منه محذوفاً:

۱) ما كان المدير قد قبل جميع الموظفين إلّا واحداً منهم!

۲) لا يُجاهد ضدّ الظلم و الظالمين فى العالم إلّا المؤمنون!

۳) لم يتأمل أغلب الناس حول خلقتهم إلّا العقلاء منهم!

۴) ما شاهدت الأم أعمال أولادها اليوم إلّا لعبهم الكثير!

۵- عین المستثنی منه محذوفاً:

۱) ما أنفقت جدی طول حياتها إلّا ما فى يدها! ۲) اعتمد الناس على نفوسهم فى الدنیا إلّا الخائفين منها!

۳) وهب ألبسته فقيراً قدماً بدار إلّا واحداً منها! ۴) ما سمعت خبراً من التلفاز إلّا الأخبار الاقتصادية!

۶- عین المستثنی منه ليس مرفوعاً:

۱) ما كان الضیوف من أصدقائى إلّا واحداً منهم!

۲) يا تلميذاتى؛ لا تُعلّقن هناك أشياء إلّا مظلّاتكن!

۳) رجعنا من هذه الرحلة الطويلة إلى بلدنا إلّا أخى الأكبر!

۴) أصبحن مثالیات فى الأخلاق و الدرس إلّا واحدة منهن!

۷- فى أىّ عبارة يوجد الحصر؟

۱) كلّ شيءٍ یرخص إذا كثّر إلّا الأدب! ۲) لا يتمتّع بهذه القدرة حیوان إلّا الخفاش!

۳) لم يُشاهد رسولُ الله هناك إلّا جماعتين! ۴) أيّها الناس لا تطلبوا فى حياتكم شيئاً إلّا الحسنات!

۸- عین المستثنی منه ليس محذوفاً:

۱) ما كان عند باب البيت إلّا أخى! ۲) ما كتبت التّمرينات إلّا واحدة من التّلميذات!

۳) لا أشاهد أفراد الأسرة إلا أبي!

۴) لا يسرني إلا نجاحك!

۹- عيّن العبارة التي حذف فيها المستثنى منه:

۱) ليس أحدٌ على حقٍ إلا الصادقين.

۲) نجحت التلميذات إلا واحدة منهنّ.

۳) ينجح الطلاب إلا المتكاسلين منهم.

۴) لا ينال العزة إلا المجدون.

۱۰- عيّن ما فيه المستثنى منه:

۱) لا يساعدا عند الشدائد إلا الله.

۲) ليس المجدُّ في دروسه إلا ناجحاً.

۳) ما قيل عنك في المدرسة إلا الثناء.

۴) تتجحون في سبيل العلم إلا المتكاسلين منكم.

۱۱- عيّن ما فيه الحصر:

۱) ما كان لنا عملٌ إلا الدعاء إلى الله

۲) هذا أمرٌ لا يدركه إلا المؤمنون بالله.

۳) كتبتُ تماريني كلّها إلا التمرين الأخير.

۴) لا ينجح الطلاب في الامتحان إلا المجدّين منهم.

۱۲ = عيّن المستثنى منه محذوفاً:

۱) الذين شاهدوا مُرّ الحياة لا يستسلمون أمام الصعوبات إلا الضعفاء منهم!

۲) لن ينجح الطلاب في دروسهم إلا الدؤوبين في أعمالهم ودروسهم!

۳) ما تعرّف على حقيقة الحياة إلا صاحب الاخلاق الحسنة!

۴) قد شعرت بأنّ الناس لا يُحبّون التكاسل إلا قليلاً منهم!

۱۳- عيّن المستثنى منه محذوفاً:

۱) ما أعطى جدّي طول حياته إلا ما في يده!

۲) إعتد الناس على نفوسهم في الدنّيا إلا الخائفين منها!

۳) وهب ألبسته فقيراً قد مرّ بداره إلا واحداً منها!

۴) ما سمعت خبراً من التلفاز إلا الأخبار الإقتصادية!

۱۴- عيّن المستثنى منه محذوفاً:

(۱) لم یركب المسافرون فی السیارة إلاّ إثنين منهم!

(۲) لم أشاهد فی الضیافة إلاّ ضیفین کریمین من أقوامنا!

(۳) إنّ الناس یحبّون الأطفال إلاّ قليلاً منهم!

(۴) لن یفوز الطالب فی دروسهم إلاّ المجتهدین منهم!

۱۵- عین ما فیہ الحصر:

(۱) لم یأت إلى استقبال المدير إلاّ محبّوه.

(۲) منازل الراكبون من السیارة إلاّ إثنين منهم.

(۳) لایحبّ صدیقی الألوان العدیة إلاّ اللون الأزرق.

(۴) ما كتب المعلم سوالات الامتحان إلاّ ما كان فی

الكتاب.